سی‌ودومین همایش بانکداری اسلامی: نظارت و تطبیق شرعی در بانکداری اسلامی: مبانی نظری، تجارب جهانی و توصیه‌های سیاستی
۸ و ۹ شهریور ماه ۱۴۰۱، صص. ۲۶۳-۲۸۸

درآمدی بر نظارت شرعی؛ معیارهای اعضا، مقایسه مدل‌های نظارت و واکاوی حکمرانی شرعی در کشور ایران

مهناز کشت‌کار رجبی[۱]

چکیده

بانکداری اسلامی یک نهاد مالی برگرفته از نظام اقتصادی اسلامی است که هدف آن تأکید بر ابعاد اخلاقی، اجتماعی و معنوی و تلاش برای بهبود عدالت و سازندگی جامعه است. چرا که در سیستم‌های مالی متعارف فقط بر جنبه‌های مالی و اقتصادی معاملات تمرکز می‌شود. در ابتدا، توسعه مالی اسلامی در کشورهای مسلمان‌محور حرکت کرد، اما به‌تدریج به‌کشورهای غیراسلامی و توسعه‌یافته مانند آمریکا، انگلستان، اتحادیه اروپا و سنگاپور رسید. از این رو، ابزارهای مالی اسلامی با توجه به‌پیامدهای جهانی شدن اقتصاد و بحران مالی‌ای که در سال‌های اخیر در جهان رخ داده، می‌تواند در سطح جهانی پذیرفته شود. اهمیت موضوع سبب شد، مؤسسات مالی اسلامی برای حصول اطمینان از اینکه محصولات ارایه شده، قابل قبول شرع باشد، از علمای مسلمان مشاوره بگیرند و به مرور ساختاری را برای این نظارت تعریف و اجرایی کنند. بر این اساس، در این مقاله سعی شده الزامات و معیارهایی را شناسایی و ارایه کند که یک واحد نظارت شرعی به‌منظور نظارت بهینه باید دارا باشد. یافته‌های این تحقیق که به‌روش تحلیلی-توصیفی و همچنین، مرور ادبیات موجود در حوزه نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی به‌دست آمده، نشان می‌دهد مدل‌های مختلفی از نظارت شرعی متناسب با قوانین کلان و سرعت توسعه ابزارهای مالی در هر کشور وجود دارد. کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در برهه‌هایی در جهت تقویت چهارچوب حکمرانی شرعی، طرح‌هایی را اجرایی کرده است. لیکن به‌عنوان یک کشور اسلامی، نیازمند توجه جدی و اقدامات بیشتری در این خصوص است.

واژه‌های کلیدی: نظارت شرعی، بانکداری اسلامی، معیار، مدل نظارت، مقایسه مدل

JEL: E58 ،E61, E66

---

[۱] دکترای مدیریت دولتی- تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی، رئیس اداره کل بررسی‌های اقتصادی و توسعه محصول بانک مسکن، (نویسنده مسئول)؛ mahnazrajabi@yahoo.com

مقدمه

بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف، تفاوت‌هایی دارد. بانکداری متعارف قبل از ظهور اسلام وجود داشته است. این در حالی است که مفهوم بانکداری اسلامی به‌طور رسمی در دهه ۱۹۷۰ توسط سازمان کشورهای اسلامی (OIC)[1] مطرح و در اکثر کشورهای مسلمان و برخی از کشورهای غیرمسلمان معرفی شد. نظام مالی اسلامی در حالی که میزان رشد خارق‌العاده‌ای را تجربه کرده، اما به‌دلیل ناکامی در گنجاندن روح واقعی شریعت در عملیات خود، مورد انتقاد قرار گرفته است. مؤسسات مالی اسلامی (IFIs)[2] نیز بر سر تفسیر این‌که کدام محصولات حلال تلقی می‌شوند (قابل قبول شرع هستند)، اختلاف دارند. برای غلبه بر برخی از این مسائل، مؤسسات مالی فعال در حوزه تولیدات اسلامی موظف به استفاده از خدمات یک مشاور شرعی یا هیئت نظارت شرعی[3] شده‌اند.[۱] بر این اساس، نظارت شرعی را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین تمایز بین سرمایه‌گذاری مالی متعارف و سرمایه‌گذاری واقعی اسلامی در نظر گرفت. بنابراین، نظارت شرعی موضوعی نیست که به‌سادگی مورد توجه قرار گیرد. چراکه اعتماد عمومی در هر بخش، همیشه ملاحظه مهمی است و در بخش مالی اهمیت آن به‌مراتب بیشتر است. به‌طوری که می‌توان ادعا کرد، نظارت شرعی به‌معنای تعهد واقعی مدیریت به اصول شفافیت و پاسخگویی در امر رعایت شرع است.[۲] با این حال، لحاظ این بدنه در ساختار داخلی مؤسسات مالی می‌تواند چالش برانگیز باشد، زیرا این بدنه قدرتمند، هنوز ناشناخته است.[۳]

حال که مؤسسات مالی اسلامی پس از چندین دهه مشارکت در صنعت مالی به‌عنوان رقیب قدرتمند نظام مالی متعارف مطرح شده‌اند و همچنین از آنجا که با توجه به موضع مذهبی و ایدئولوژیک خود، گزینه مناسبی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذارانی ارایه می‌دهند که تمایل دارند منحصراً با سیستم مالی اسلامی سروکار داشته باشند، پس لازم است به‌منظور جلب اعتماد متقاضیان خود، به‌همان اندازه که حاکمیت شرکتی در سازمان‌های شرکتی مهم است، موضوع حاکمیت شرعی در اینگونه مؤسسات نیز مورد توجه جدی قرار گیرد و فعالیت‌ها به‌طور مداوم براساس دستورالعمل‌های شرعی، نظارت و فیلتر شوند.[۴]

بر این اساس، در این مقاله سعی شده ضمن تبیین مفاهیم و مطالعه تحقیقات مرتبط، ارکان، وظایف و مدل‌های نظارتی‌ای را که در سایر کشورها ساری و جاری است، شناسایی کند. در ادامه، با

[1] Organisation of Islamic Cooperation
[2] Islamic Financial Institutions
[3] SSB

توجه به نقش اعضای ناظران شرعی در تحقق اهداف حکمرانی شرعی، معیارهای مورد نیاز جهت تصدی این سمت احصا شد. در بخش پایانی نیز با توجه به نتایج مطالعات، به واکاوی حمکرانی شرعی در کشور ایران پرداخته شده و مواردی در جهت تقویت این چهارچوب پیشنهاد شده است.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

تبیین مفهوم نظارت شرعی و تاریخچه شکل‌گیری واحد نظارت شرعی در بانکداری اسلامی

با توجه به ممنوعیت بهره در اسلام و محدودیت‌هایی که برای مؤسسات مالی اسلامی در استفاده از روش‌های سنتی تأمین مالی سرمایه‌گذاری ایجاد شده، بانک‌های اسلامی از اصول شرعی برای نوآوری، توسعه و بهبود محصولات منطبق با شرع استفاده می‌کنند. این رویکرد مالی، بانک‌ها را ملزم می‌کند تا برای پرداختن به‌الزامات و اصول شریعت در مبادلات، شریعت را به‌عنوان یک مهارت جدید در نظر بگیرند. از این‌رو، کارشناسان شرعی در سطوح مختلف بانک‌ها جذب می‌شوند تا نظارت، مدیریت و حسابرسی معاملات را به‌منظور اطمینان از رعایت موازین شرعی انجام دهند. البته، ذکر این نکته ضروری است که اگر چه استفاده از واحد نظارت شرعی، مهم‌ترین مکانیزم مورد استفاده بانک در این زمینه است، با این حال، ایده (SSB) همزمان با ظهور بانک‌های اسلامی به‌وجود نیامد. به‌طوری که بانک توسعه اسلامی[1] و بانک اسلامی دبی در ابتدا بدون (SSB) تأسیس شدند. [۲] و [۱۸] خود بانک‌ها بدون این‌که ارتباط رسمی با علمای شریعت برقرار کنند، اصول شرع را در معاملات خود اعمال می‌کردند. بعدها، بانک‌ها در مقطعی متوجه شدند که تحلیل اصولی شریعت توسط افراد غیرمتخصص کافی نیست. بنابراین، از شریعت‌شناسان بیشتر مشورت گرفتند و رفته‌رفته به‌منظور تضمین رعایت شرع، مشاوران شرعی به‌شکل کنونی در هیئت‌مدیره مؤسسات مالی اسلامی به‌کار گرفته شدند. آغاز این رابطه جدید بین علمای شریعت و مؤسسات مالی بود که به تشکیل نخستین (SSB) رسمی در سال ۱۹۷۶ در بانک اسلامی فیصل مصر منجر شد که روندی را برای سایر بانک‌های اسلامی پس از آن ایجاد کرد.[۲] این روند توسط بانک اسلامی اردن و بانک اسلامی فیصل سودان در سال ۱۹۷۸، خانه مالی کویت در سال ۱۹۷۹ و بانک اسلام مالزی برهاد در سال ۱۹۸۳ دنبال شد.[۱۸] به‌عبارتی، این بانک‌ها مفهوم (SSB) را آن طوری توسعه دادند که امروزه می‌شناسیم.[۳] پس از آن در سال ۱۹۹۹، سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی[2]، نخستین استاندارد حاکمیت شرعی برای

[1] IDB
[2] AAOIFI

(IFIها) را با عنوان «استاندارد شماره ۱: انتصاب، ترکیب و گزارش (SSB)» تصویب و منتشر کرد و تا به‌امروز سعی کرده یک چارچوب جامع برای حاکمیت شرکتی (IFI) متشکل از استانداردهای حاکمیتی ایجاد کند.[۱۷]

در حالت ایده‌آل، نظارت شرعی از زمان ایجاد و توسعه یک محصول یا خدمت اسلامی تا عرضه آن و حتی در تمام مدت ارایه آن حضور خواهد داشت. همچنین، در مرحله تحقیق و توسعه یا تنظیم قراردادها یا ارایه تفاهم‌نامه، نظارت شرعی به هر شکلی باید مشارکت فعال داشته باشد.[۲] بنابراین، نظارت شرعی ممکن است به‌عنوان فرایند پیشگیرانه، اصلاحی و تکمیلی کنترل، بررسی و تجزیه و تحلیل کلیه فعالیت‌ها، محصولات، قراردادها و معاملات صندوق بین‌المللی پول از زمان ثبت (IFI) به بعد برای اطمینان از انطباق با شریعت اسلامی تعریف شود.[۳] به بیان دیگر، می‌توان گفت که نظارت شرعی، کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به‌منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام است. در نهایت، هدف از این نظارت دستیابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به‌وسیله آن‌ها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به‌طور عام) یا یک مؤسسه مالی یا بانک اسلامی (به‌طور خاص) را حداقل کرد یا کاهش داد.[۱۵]

به مثابه کلیه اقدامات نظارتی، نظارت شرعی در بانک‌های اسلامی نیز شامل انواع مختلف است که عبارتند از: **نظارت پیشگیرانه** – **قبل از اجرا** (فرایند نظارت بر تهیه و تنظیم قراردادها و همچنین محصولات بانکی قبل از اجرای آن‌ها و ایجاد راهنمای روش‌های بانکی، چه از نظر شکلی و چه از نظر پیامدها و محدودیت‌ها)؛ **نظارت اصلاحی** – **در حین اجرا** (فرایند اصلاح، تغییر شکل، ارزیابی عملیات و ارایه نظر حقوقی در مورد مشکلات و مسائل بازدارنده)؛ و **نظارت تکمیلی** – **پس از اجرا** (فرایند نظارت بر عملیات نهایی و بررسی گزارش بودجه عمومی و گزارش سازمان‌های نظارت خارجی).[۱۶]

با توجه به‌مطالب بالا روشن می‌شود که نظارت شرعی در مفهوم کلی، کاری سازمان یافته و تدریجی است که با پیگیری، نظارت و تحلیل آغاز می‌شود و سپس با ارایه مشاهدات، پیشنهادها و راهکارها به پایان می‌رسد. این کار، مسئولیتی است که در صورت سوءاستفاده، عواقب بدی دارد.

پیشینه پژوهش

– محمود و همکاران [۸] در تحقیق خود به تأثیر برخی شاخص‌ها بر انطباق عملکرد با شریعت پرداختند. نتایج حاکی از آن است که اندازه (SSB) تأثیر منفی بر عملکرد داشته، در حالی که تحصیلات و تخصص، تأثیر مثبتی بر انطباق شرعی بانک‌های اسلامی دارند. در همین حال، عضویت متقابل، پاداش و

چرخش اعضای (SSB) تأثیری بر انطباق شرعی بانک‌های اسلامی ندارد و به‌طور کلی نقش (SSB) در کارکرد ایجاد رفاه برای جامعه به‌نحو مطلوب انجام نشده است.

- نتایج تحقیق کوثر[1] و همکاران[۵] حاکی از آن است که انتظارات بانک‌های اسلامی در کشور بنگلادش از اعضای (SSB) متعدد بوده و شامل ارایه نظرها در مورد مسائل شرعی و تصمیم‌گیری‌ها در مورد بانکداری مدرن، شیوه‌ها و صدور فتوا در مورد مسائل معاصر ارایه شده توسط مدیریت برای برآوردن خواسته‌های سهامداران است.
- یولفی[2] و همکاران[۱۳] در کار تحقیقی به این نتیجه رسیدند که افزایش اندازه (تعداد اعضا) (SSB)، بهبود مهارت‌ها و شایستگی‌های بالاتر اعضای (SSB)، حفظ استقلال اعضای (SSB) و همچنین نیاز به هیئت مرکزی شرعی[3] و حسابرس شرعی بر عملکرد بهتر بانکداری اسلامی تأثیر می‌گذارد.
- نتایج تحقیق ایمانیاتی[4] و همکاران[۴] نشان داد که نقش و مسئولیت (DPS) در نظارت بر انطباق شرع در بانک‌های اسلامی بنگلادش به‌دلیل کیفیت مشکلات یکپارچگی و صلاحیت (DPS) بهینه نیست. بر این اساس، (DPS) می‌تواند از جنبه‌های قانون مدنی و قانون حمایت از مصرف‌کننده، مشمول تحریم شود.
- مطالعه هیملی[5] و همکاران[۶] نشان داد که شکاف‌ها و کاستی‌هایی در عملکرد حاکمیت شرعی در (IFIs) در سریلانکا وجود دارد، به‌ویژه در ساختار و فرایند در مقایسه با چهارچوب بین‌المللی و دستورالعمل‌های صادر شده توسط نهاد تنظیم استاندارد بین‌المللی مانند (AAOIFI) و (IFSB).
- تحقیق ساسترا[6][۷] به‌عملکرد فعلی حاکمیت شرعی نهادهای بانکداری اسلامی[7] در عمان و چالش‌های پیش‌روی چنین مؤسساتی پرداخته است و در نهایت پیشنهاد می‌دهد که برای تقویت نقش شریعت، بانک مرکزی عمان (CBO)[8]، آیین‌نامه‌ای برای ایجاد مرجع عالی نظارت شرعی در (CBO) برای هماهنگ کردن نظرهای مربوط به مسائل شرعی در بین (IBEs) صادر کند. همچنین، انتظار

[1] Kausar
[2] Ulfi
[3] CSB
[4] Imaniyati
[5] Hilmy
[6] Sastra
[7] IBEs
[8] Centarl Bank of Oman

می‌رود این عناصر نقش نظارتی بر مسائل شرعی مربوط به‌فعالیت‌های تجاری بانکداری اسلامی داشته باشند.

- العامر[1][۳] در رساله خود به بررسی نقش‌های (SSB) اقدام کرده و در نهایت معتقد است که نقش (SSBها) به‌نوعی شبیه نقش حسابرسان مستقل است و با توجه به انتظارات از این واحد، نقش‌های (SSB) باید به نهادهای مختلف واگذار شود. برای مثال، با توجه به نقش تعیین استاندارد شرعی، محقق پیشنهاد می‌کند که یک هیئت ملی تنظیم استاندارد شرعی به‌عنوان مرجع انحصاری برای صدور استانداردهای شرعی برای صنعت مالی اسلامی ایجاد شود و در نهایت، پس از بررسی ساختارهای مختلف با پیشنهاد مدل (SSBfree) که نظارت شرعی را به‌عنوان یک حرفه و همچنین کل صنعت مالی اسلامی را ترویج می‌کند، به‌پایان می‌رسد.
- بانک دولتی پاکستان[۹] در سال ۲۰۰۸، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها را برای انطباق با شریعت صادر کرد. با این حال، با توجه به تحولات رخ داده در صنعت بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر، برخی از دستورالعمل‌ها مورد بازنگری قرار گرفت و در سال ۲۰۱۵، چهارچوب جامع حکومت شرعی ارایه کرد. هدف اصلی این است که محیط انطباق کلی با شریعت مؤسسات مالی اسلامی را تقویت کند و نقش‌ها و مسئولیت‌های ارگان‌های مختلف را در این زمینه به‌صراحت تعریف کند.
- نتایج مطالعات شهزاد[2] و همکاران[۲۶] درخصوص بانک‌های اسلامی کشور پاکستان نشان می‌دهد که اگر چه حسابرسی شرعی به‌عنوان یک فعالیت متمایز از حسابرسی متعارف در نظر گرفته می‌شود، اما برای مؤسسات حسابرسی خارجی و کارکنان مؤسسات مالی بین‌المللی نیاز به‌آموزش بیشتری است.
- تحقیق زولکیفلی[3][۲۷] نشان داد که نظارت شرعی دارای مدل واحدی نبوده و کشورهای مختلف متناسب با ساختارهای متفاوتی که دارند و همچنین متناسب با سطوح بانکداری اسلامی، به استفاده از الگوهای گوناگون نظارت شرعی اقدام می‌کنند.
- روحانی و بنی‌طبا[۲۱] در مقاله پژوهشی خود، مهم‌ترین پیامدهای نبود نظارت شرعی را عدم پایبندی بانک‌ها به لوازم عقد وکالت و برخورد مالکانه با اموال وکالتی، محتوازدایی از عقود مشارکتی و مبادله‌ای و استفاده صوری از آن‌ها و عدم انطباق ضوابط صورت سود و زیان بر بانکداری بدون ربا اعلام کرده‌اند.

---

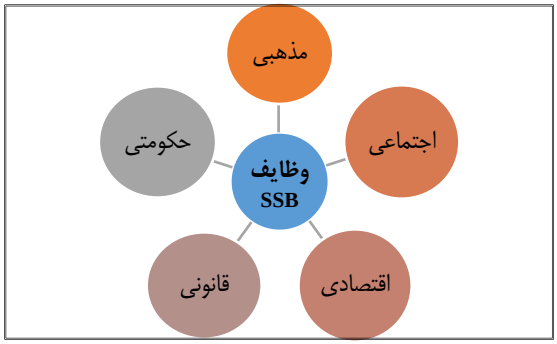
[1] AL Amer
[2] Shahzad
[3] Zolkifli

- کاظمی و احمدی[۲۲] در کار تحقیقی خود سعی کردند تا با توجه به انواع مدل‌های موجود، نظارت را بر مبنای شاخص‌هایی مانند استقلال، نوع رابطه هیئت شرعی با بانک مرکزی و دولت و ... تحلیل و در نهایت مدل برتر و الگوی مطلوب هیئت شرعی در بانکداری اسلامی را تعیین کنند.

وظایف واحد نظارت شرعی در بانکداری اسلامی

بانک‌های اسلامی در عملکرد خود نسبت به بانک‌های متعارف دارای ویژگی‌های منحصر به فردی هستند که برای نمونه می‌توان به استفاده از سیستم تقسیم سود و زیان و وجود هیئت نظارت شرعی اشاره کرد. در این میان، واحد نظارت شرعی به‌عنوان اصلی‌ترین وجه تمایز بانکداری اسلامی با بانکداری متعارف دارای وظایفی به‌شرح نمودار شماره (۱) است که توجه به آن‌ها در موفقیت این واحد تأثیر بسزایی خواهد داشت.

شکل شماره ۱: وظایف هیئت نظارت شرعی در بانکداری اسلامی[۸]



بدین‌ترتیب، وجود (SSB) بر انطباق عملکرد بانک اسلامی با نظام شریعت، حفظ اعتماد ذی‌نفعان به فعالیت‌های بانک اسلامی، حمایت از مدیریت در ارایه محصولات منطبق با شرع، اجرای الزامات قانونی برای حاکمیت و تعهدات بانک‌های اسلامی در وظایف دینی تأثیر خواهد داشت. (SSB) همچنین می‌تواند بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد تا با اعتقادات و ارزش‌های اسلامی هدایت شود.[۱۱] این وظایف برای (SSB) در صدور فتوا، نظارت بر کلیه عملیات بانکی، نظارت و تأیید (رد) محصولات بانکی و گزارش و ارایه نظر در مورد نحوه انطباق شرعی بانک‌های اسلامی در گزارش‌های سالانه خود است. برای مثال، هنگامی که یک محصول عرضه می‌شود، نظارت شرعی ممکن است به‌شکل نظارت مستمر

از طریق ممیزی‌های دوره‌ای باشد. چنین ممیزی‌هایی ممکن است از طریق بازدید از محل، بررسی اسناد یا مشاوره با مدیریت در فواصل منظم انجام شود. چرا که بدیهی‌ترین و فوری‌ترین هدف نظارت شرعی این است که به مصرف‌کنندگان و مشتریان مسلمان متعهد گواهی دهد که کالا یا خدمات مالی ارایه شده به آن‌ها از منظر حقوقی اسلام قابل قبول و بنابراین برای آن‌ها مشروع است.[۲]

بر این اساس، عدم‌انطباق سرمایه‌گذاری سپرده‌گذاران با اصول اسلامی به اعتماد مشتریان به بانک‌های اسلامی و حتی در کل صنعت خدمات مالی شرعی آسیب جدی وارد می‌کند. چرا که می‌تواند دلیلی برای ریسک شهرت باشد که باعث ورشکستگی بانک‌ها و ایجاد بی‌ثباتی سیستماتیک شود.

با وجود این، در عمل شوراهای فقهی در بانک‌های اسلامی یا نظام‌های بانکی اسلامی با تعابیر گوناگونی چون شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت، ناظران شریعت، کمیسیون مذهبی، هیئت شریعت، هیئت نظارت بر فتوا و غیره به فعالیت مشغولند که به‌نظر می‌رسد تعدد و تنوع وظایف هیئت نظارت شرعی باعث شده که معاصران بر سر نامگذاری واحد توافق نداشته باشند. و اگر نام مهم باشد، توجه در حقایق و معانی است، نه در اشکال و دیدگاه‌ها.[۱۶] البته، با تمام تفاوت‌ها، اصل کار آن‌ها تضمین انطباق فعالیت‌ها با فقه اسلامی است. این شوراهای فقهی در بانک‌های اسلامی سایر کشورها کار ویژه‌ایی بر عهده دارند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: اطمینان از انطباق آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌های اجرایی و قراردادها با ضوابط شرعی، ارایه خدمات آموزشی در رابطه با اصول شریعت به مدیران و کارکنان، ارایه مشاوره شرعی به مشتریان و پاسخ به سؤالات شرعی ذی‌نفعان و ...[۱۵]

یادآوری می‌شود که هیئت نظارت شرعی یک نهاد مشورتی نیست، بلکه یک نهاد اجباری است. بنابراین، باید در قانون اساسی در این مورد تصریح شود که هیئت نظارت بر فتوا و شرع، حق توقف یا رد هرگونه رفتار یا معامله‌ای را دارد که خلاف شرع را ثابت کند.[۱۶]

با عنایت به اهمیت موضوع و با توجه به وظایف واحدهای نظارت شرعی، در جدول شماره (۱) به تجربه نظارت شرعی در برخی از کشورها پرداخته شده است.

جدول شماره ۱: تجربه نظارت شرعی در برخی از کشورها

کشور	ساختار نظارت شرعی	نکات قابل توجه
عربستان سعودی	مسئله نظارت شرعی به‌صورت مرکزی نبوده و انطباق فعالیت‌های مؤسسات مالی با تعالیم شریعت اسلام را به‌خود واگذار کرده‌اند. – تمام بانک‌ها و مؤسسات مالی دارای هیئت شرعی هستند.	تمامی اعضای هیئت شرعی به‌وسیله هیئت‌مدیره مؤسسات مالی انتخاب می‌شوند. آزادی بانک‌ها در مسئله نظارت شرعی، باعث نوعی رقابت در ارایه رویکردها و ابزارهای جدید منطبق با تعالیم شرع شده است.
مالزی	بانک مرکزی مالزی در سال ۱۹۹۷ به‌منظور ایجاد هماهنگی در تفسیرهای شرعی و ... شورای مشورتی شریعت و کمیته شریعت را تأسیس کرد.	علاوه بر آن، تمامی مؤسسات اسلامی براساس دستورالعملی که در سال ۲۰۰۴ در بانک مرکزی مالزی به‌تصویب رسیده، کمیته‌های تخصصی شرعی تشکیل داده‌اند.
اندونزی	نظارت در دو سطح بانک مرکزی و مؤسسات مالی انجام می‌شود.	بانک مرکزی اندونزی اصولی را در رابطه با نحوه انتخاب و فعالیت این هیئت‌ها تعیین کرده است.
بحرین	نظارت در دو سطح بانک مرکزی و در سطح بانک‌ها و مؤسسات مالی جریان دارد.	همچنین تمامی بانک‌ها باید استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی را رعایت کنند.
امارات	هیئت عالی شریعت توسط هیئت دولت امارات متحده عربی تشکیل شد. خود مؤسسات مالی اسلامی نیز به تشکیل هیئت نظارت شرعی متعهدند.	هیئت عالی شریعت، زیرمجموعه وزارت دادگستری و امور اسلامی امارات است.
انگلیس	نظارت در سطح مؤسسات مالی اسلامی پیگیری می‌شود.	تمامی بانک‌های اسلامی موجود در انگلیس، کمیته فقهی دارند.
سودان	دو نهاد شامل شورای فقهی بانک‌ها و هیئت عالی شرعی بر بانک‌ها نظارت دارند.	هر بانک ملزم به داشتن شورای فقهی است. ضمن همکاری هیئت عالی شریعت با بانک مرکزی، اما به لحاظ عملکرد مستقل است.
قطر	بانک مرکزی قطر در سال ۲۰۰۸ دستورالعملی تحت عنوان «دستورالعمل نظارت» به‌منظور تبیین چگونگی نظارت بانک مرکزی بر بانک‌های اسلامی و متعارف تدوین کرد.	ماده هفتم آن، تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی را ملزم به تشکیل شورای فقهی می‌کند. حداقل اعضا باید دو عضو باشد و انتخاب آن‌ها از سوی هیئت‌مدیره یا مجمع عمومی انجام می‌شود.
ایران	– تشکیل شورای مشورتی بانکداری و مالیه اسلامی در پژوهشکده پولی و بانکی در سال ۱۳۸۳ و انتقال آن به معاونت بانکی وزارت امور اقتصادی و دارای در سال ۱۳۸۵ – تشکیل شورای فقهی در سال ۱۳۸۸ در بانک مرکزی – اضافه شدن مسئول تطبیق و نظارت شرعی در سال ۱۴۰۰ به کمیته تطبیق بانک‌ها	

منبع: [۱۲] و [۱۴]

مدل‌های نظارت شرعی

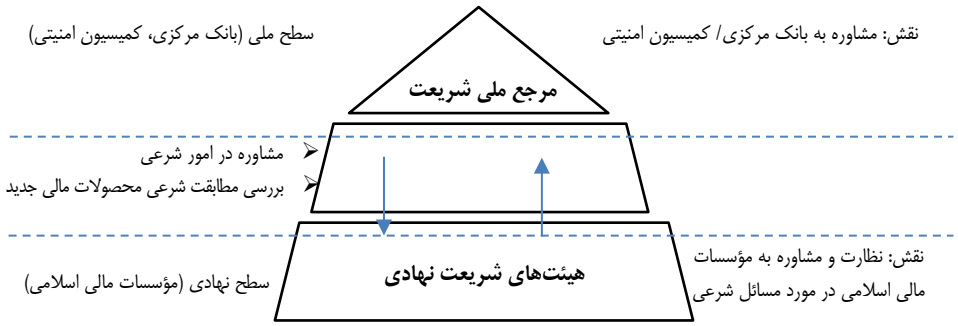
تجارب کشورهای گوناگون نشان می‌دهد که مدل‌های مختلفی از نهادهای نظارتی شریعت وجود دارد. با این حال، همه آن‌ها را می‌توان به سه مدل اصلی طبقه‌بندی کرد که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود.

نظارت شرعی در سطح ایالتی/ ساختار متمرکز[1]

این نهاد در سطح ایالتی، عالی‌ترین ارگان در نظر گرفته می‌شود و صلاحیت بررسی تصمیمات نهادهای نظارتی شرعی برای مؤسسات مالی را دارد.[۱۶]، [۱۷]، [۱۸] و [۱۹] این نهاد دارای مزایای دیگری از قبیل الزام‌آوری دستورالعمل‌های خود به بانک‌های اسلامی در مورد اختلافات شرعی است. مقام عالی نظارت، استانداردهای واحدی را برای توسعه محصول با قراردادهای شرعی قابل قبول صادر می‌کند. [۱۶] در ساختار متمرکز شرعی، یک هیئت نظارت شرعی مرکزی (SSB) مرتبط با بانک مرکزی کشور وجود دارد که در ارایه سیاست‌های کلی برای برتری شرعی صنعت بانکداری اسلامی نقش دارد. (SSB) مرکزی، قوانینی را برای بانکداری اسلامی تعیین می‌کند تا تفاوت‌ها را به حداقل برساند. ناگفته نماند که همه بانک‌های اسلامی دارای هیئت‌های شرعی شخصی خود هستند. هدف اصلی هیئت مرکزی شریعت، تشویق یکنواختی و ثبات در اتخاذ فتواها و استانداردهای حکومتی است. ساختار متمرکز در کشورهایی مانند پاکستان، سودان، برونئی، اندونزی، مالزی و عمان (کشورهای جنوب شرقی آسیا) اجرایی شده است. از طریق ساختار متمرکز حاکمیت، هزینه‌های عملیاتی برای انطباق با شریعت در صنعت بانکداری کاهش یافته که به رشد بالایی در محصولات و خدمات بانکداری اسلامی منجر شده است.[۱۷]

[1] Centralised Model

شکل شماره ۲: مدل نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی (ساختار متمرکز) [۱۸]

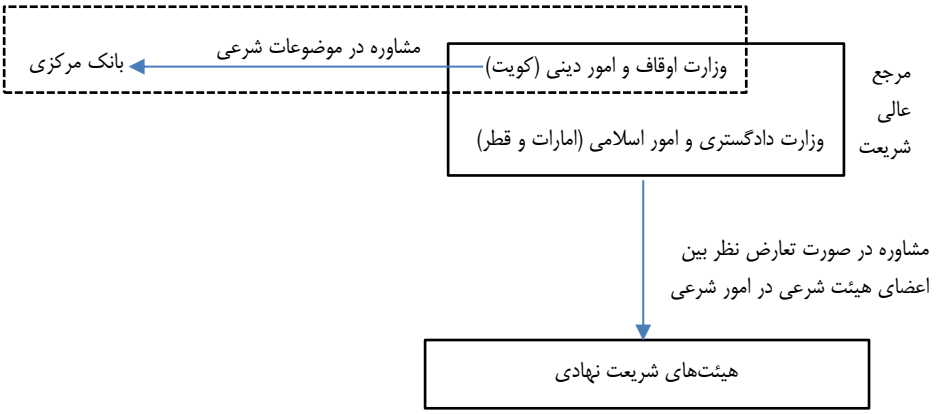


نظارت شرعی مستقل از سطح ایالتی/ ساختار غیرمتمرکز[1]/ خودتنظیمی[2]

در برخی کشورها، مرجع عالی نظارتی در کشور وجود ندارد، اما هر بانکی بدنه خود را دارد و مستقل از سایرین است، زیرا روی این حکم کار می‌کنند که اجتهاد با اجتهاد باطل نمی‌شود. از این‌رو، تصمیمات مراجع لازم‌الاجرا بوده و توسط مقام بالاتر قابل بررسی نیست. در صدور فتوا، از مؤسسات مشاوره خصوصی یا یک ناظر قانونی داخلی یا خارجی کمک می‌گیرند. [۱۶] در ساختار غیرمتمرکز، هر بانک اسلامی این آزادی را دارد که سیاست‌های خود را برای محصولاتی که مطابق فقه اسلامی مورد بحث است، ایجاد کند. در این سناریو، همه بانک‌های اسلامی یک هیئت شرعی مخصوص به خود دارند که برای محصولات و خدمات آن‌ها فتوا صادر می‌کند، زیرا به هیئت مرکزی وابسته نیستند. اکثر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، کویت، قطر، اردن، عربستان سعودی، امارات، یمن، گامبیا و ... و همچنین کشورهای دارای جمعیت اقلیت مسلمان مانند بریتانیا، سنگاپور و ایالات متحده آمریکا از این مدل بهره می‌برند[۱۶]، [۱۷]، [۱۸] و [۱۹] و از استانداردهای (AAOIFI) پیروی می‌کنند. آزادی صدور فتوا می‌تواند باعث ایجاد سردرگمی در بین ذی‌نفعان در مورد انطباق شرعی فعالیت‌های بانکی شود. تنوع فتواها در بانکداری اسلامی کشورهای غربی، به‌ویژه در کشورهای مسلمان رو به رشد مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، کانادا و غیره، نگرانی ایجاد کرده است. [۱۷]

[1] Decentralised
[2] Self-regulation

شکل شماره ۳: سیستم‌های نظارت شرعی در مؤسسات مالی اسلامی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس[۱۸]



نظارت مدل ترکیبی (هیبریدی)

این مدل در بحرین اعمال می‌شود[۱]، جایی که بانک مرکزی بحرین[۲] مانند هر مؤسسه مالی اسلامی در این کشور، هیئت نظارت شرعی خود را دارد. هیئت نظارت شرعی بانک مرکزی بحرین، هیئت نظارت شرعی مرکزی[۳] نامیده نمی‌شود، زیرا وظایف آن فقط به مشاوره و نظارت (CBB) در مورد مسائل مربوط به شریعت محدود می‌شود. علاوه بر این، (SSB) بانک مرکزی بحرین به‌عنوان مرجع عالی برای احکام شرعی در امور مالی اسلامی عمل نمی‌کند. آیین‌نامه (CBB) به استانداردهای حاکمیتی (AAOIFI) برای مؤسسات مالی اسلامی اشاره می‌کند. بنابراین، مؤسسات مالی اسلامی موظفند از نظر حاکمیت شرعی از این استانداردها پیروی کنند. فرایند و کارکردهای حکمرانی شریعت، مشابه مواردی است که در مدل غیرمتمرکز وجود دارد.[۱۹]

مزایا و معایب مدل‌های نظارت

هر مدل حکمرانی شرعی دارای مزایا و معایب خاص خود است. از آنجایی که مدل ترکیبی شبیه به مدل خودتنظیمی است، تنها دو مدل، یعنی مدل متمرکز و خودتنظیمی در نظر گرفته شده است.

---

[۱] در برخی از مقالات، این مدل، در مدل غیرمتمرکز/ خودتنظیمی لحاظ شده است.

[2] CBB
[3] CSB

مزایای مدل متمرکز

- اولین و مهم‌ترین مزیت مدل متمرکز، استانداردسازی و هماهنگی روش‌ها در امور مالی اسلامی، به‌ویژه احکام شرعی است. این امر، ثبات و قطعیت احکام را در مورد مسائل شرعی ترویج می‌کند و خطر عدم انطباق شرعی را کاهش می‌دهد که باعث افزایش اعتماد مشتریان به‌محصولات و خدمات ارایه شده توسط (IFIهای) آن کشور می‌شود.
- این رویکرد ممکن است به‌طور بالقوه از بسیاری از اختلافات در هیئت‌های نظارت شرعی مختلف جلوگیری کند. از آنجایی که اعضای هیئت‌های نظارت شرعی توسط هیئت نظارت شرعی مرکزی نظارت می‌شوند (حتی در هنگام انتصاب، استعفا و خاتمه خدمت اعضای (SSB))، پتانسیل کمتری برای تضاد منافع وجود دارد.
- این مدل به دلیل شفافیت و قطعیت آن به سرعت رشد در صنعت کمک می‌کند.
- داشتن اختیارات قانونی در یک حوزه قضایی خاص که حق تأیید نهایی محصولات و خدمات جدید ارایه شده توسط مؤسسه مالی اسلامی را دارد، اعتبار احکام شرعی را تضمین می‌کند. در بسیاری از حوزه‌های قضایی دیگر که در آن مدل حکومت شرعی غیرمتمرکز/ خودتنظیمی اعمال می‌شود، وضعیت احکام شرعی برای قراردادهای مالی اسلامی در هنگام اجرای قانون مبهم باقی می‌ماند.
- با اذعان به این‌که تخصص در شریعت، نسبتاً محدود است، ایجاد یک (CSB) به همه بازیگران بازار این امکان را می‌دهد تا از علمای خبره که در (CSB) حضور دارند، بهره ببرند. در عین حال ممکن است وظایف (SSBها) سبک‌تر باشد، زیرا آن‌ها می‌توانند از راهنمایی‌های (CSB) استفاده کنند.
- در این مدل، مشاوران شرعی به عضویت در تنها یک مؤسسه مالی اسلامی محدودند و مؤسسات مختلف باید مشاوران شرعی متفاوتی را استخدام کنند. این محدودیت، نیاز به تعداد بیشتری از شریعت‌دانان، شکوفایی استعدادهای جدید و پیشرفت بیشتر صنعت خدمات مالی اسلامی را موجب می‌شود.

معایب مدل متمرکز

- یکی از معایب الگوی متمرکز، محدودیت اجتهاد است. بدین‌ترتیب، از آنجایی که بیانیه شرعی (CSB) برای (SSBها) الزام‌آور است، شاید به‌نظر برسد که اجتهاد محدود است و جایی برای نوآوری وجود ندارد. اگرچه احتمال وقوع این مهم اندک است، اما برای حل این مشکل باید مکانیسم مناسبی برای این موضوع وجود داشته باشد. برای مثال، اگر یک (SSB) برای یک محصول جدید یا یک ساختار جدید، حکم شرعی جدید ارایه دهد، باید مکانیسم مناسبی برای بحث و بررسی بیشتر

با (CSB) لحاظ شود. و اگر (SSB) بتواند از نظر خود در مقابل (CSB) دفاع کند، (CSB) باید براساس دلایل منطقی، نظر شرعی خود را تغییر دهد.

- موضوع «زمان ارایه محصول به‌بازار» از دیگر نکاتی است که در این مدل دچار محدودیت است. بدین‌ترتیب که فرایند تأیید شرعی یک محصول یا خدمات جدید تنها به یک (SSB) بستگی ندارد، بلکه به تأیید (CSB) نیز نیاز دارد. به بیان دیگر، برخلاف مدل خودتنظیمی، هرگونه تأیید یک محصول مستلزم تأیید دو نهاد (SSB) و (CSB) است. اگر این فرایند به خوبی مدیریت نشود، به یک دوره تأیید طولانی‌تر منجر می‌شود که ممکن است بر زمانبندی محصول تأثیر بگذارد.
- این مدل فقط در برخی از حوزه‌های قضایی قابل اجراست که قوانین خاصی برای امور مالی اسلامی وجود دارد. علاوه بر آن، باید مقررات خاصی در مورد (CSB) وجود داشته باشد. بنابراین، استفاده از این مدل به قانون یک کشور بسیار وابسته است. به‌عبارتی، فعالیت (CSB) ممکن است در حوزه‌های قضایی که در آن امور مالی اسلامی هنوز در مراحل اولیه است مانند انگلستان، سنگاپور و غیره، ممکن نباشد. برای تحقق اهداف این مدل در این کشورها، زمان طولانی‌تر و احتمالاً تلاش‌های بیشتری برای اعمال تغییرات در قوانین کشورها به‌منظور امکان‌پذیر ساختن آن لازم است.

مزایای مدل غیرمتمرکز/ خودتنظیمی

- در زمان بحث درخصوص کاربردی بودن مدل، مدل خودتنظیمی پیشی می‌گیرد. دلیل این امر، عدم نیاز به مقررات خاص در قانون یک کشور خاص برای اجراست.
- زمان تأیید شرعی یک محصول برای عرضه در بازار فقط به (SSB) بستگی دارد. به‌همین دلیل، (IFIها) در مدل خودتنظیمی نسبتاً قادرند محصولات و خدمات جدید خود را نسبت به مدل متمرکز سریع‌تر عرضه کنند. به‌عبارتی، مدت زمان فرایند تأیید شرعی نقش حیاتی در کل فرایند عرضه محصول ایفا می‌کند.
- این مدل امکانات بیشتری برای اجتهاد فراهم می‌کند. بدین ترتیب که چون (SSBها) ملزم به پیروی از عقاید شرعی خاص نیستند (برای مثال، تحمیل شده توسط (CSB))، ممکن است حکم شرعی جدیدی ارایه دهند که ماهیت بسیار بدیع و در عین حال مناسب برای وضعیت فعلی و وضعیت بازار داشته باشد. و ممکن است با اظهارات شرعی (SSBهای) دیگر در مورد همان موضوع خاص متفاوت باشد.

معایب مدل غیرمتمرکز/ خودتنظیمی

- این مدل فاقد استانداردسازی و هماهنگی است. تنوع احکام شرعی از یک (SSB) به دیگری و گاه متناقض با یکدیگر، باعث کاهش اعتماد در عملیات مالی اسلامی می‌شود. در نهایت، ممکن است باعث سردرگمی ذی‌نفعان در مورد شایستگی و اصالت صنعت شود. این موضوع به‌خصوص در مورد معاملات برون‌مرزی بسیار حساس می‌شود.
- ممکن است مؤسسات مالی اسلامی به‌دلیل فقدان مقام بالاتر شرعی برای نظارت بر (SSBها)، تنها مشاوران شرعی را استخدام کنند که فتواهایی را به نفع مؤسسه صادر کنند. یعنی فضا را برای «خرید فتوا» باز می‌کند و اعتماد ذی‌نفعان را کاهش می‌دهد.

معیارهای لازم برای انتخاب اعضای هیئت نظارت شرعی

ماحصل بررسی‌ها درخصوص معیارهای اعضای هیئت نظارت شرعی در چهار دسته شامل:

۱- معیارهای اساسی؛

۲- معیارهای اخلاقی؛

۳- معیارهای علمی؛ و

۴- معیارهای عملی قابل تقسیم بوده که به اختصار به‌شرح زیر است.[۱۰]

معیارهای اساسی

این ضوابط برای صلاحیت قانونی شخصی برای انجام دادن کلیه معاملات حلال اعم از تصرف مناصب عمومی مانند حاکم، قاضی و ... و همچنین عبادات از قبیل نماز، روزه و زکات لازم است. این معیارها عبارتند از:

- **مسلمان بودن:** زیرا این موضع مستلزم پرداختن به قرآن و سنت و منابع شرعی مرتبط با آن است که باید با ایمان کامل به آن‌ها و ترس از خدا باشد تا از تعبیر نادرست سهل‌انگارانه یا عمدی جلوگیری شود. غیرمسلمان صلاحیت این کار را ندارد، حتی اگر به قرآن و سنت و شریعت علم داشته باشد، زیرا به آن‌ها اعتقاد ندارد. همچنین، خطر تحریف قرآن و سنت توسط غیرمسلمانان وجود دارد.
- **عاقل بودن:** بدون عقل، انسان قادر به درک و رسیدگی به معاملات تجاری و ... نیست.
- **بالغ بودن:** همه فقها باید بالغ باشند. یک خردسال نمی‌تواند عضو (SSB) باشد.

معیارهای اخلاقی

اخلاق در تمام انواع مشاغل ضروری است. این مهم نیز برای نظارت شرعی نه تنها مصداق داشته، بلکه نیازمند احتیاط مضاعف برای حفظ اخلاق در آن است. برخی از اصول اخلاقی مهم به‌شرح زیر است.

- **قابل اعتماد بودن:** یک عضو (SSB) باید در معاملات خود با سایرین قابل اعتماد باشد. چرا که فقدان این فضیلت به روابط بد، سوءتفاهم بین اعضا/ کارکنان یک مؤسسه و حتی ضررهای مالی احتمالی برای یک مؤسسه منتهی می‌شود. بنابراین، اعضای (SSB) نباید اسرار محصولات یا قراردادهای جدید مؤسسه مالی را فاش سازند.
- **راستگو و صادق بودن:** فقدان این فضیلت به اظهارات نادرست، گزارش و ارزیابی تقلبی منجر می‌شود که از هیچ مسلمانی، به‌ویژه اعضای (SSB) انتظار نمی‌رود.
- **با تقوا و خدا ترس بودن:** باید متقی و خدا ترس باشد و از ارتکاب حرام خودداری کند.
- **ادای کامل واجبات:** باید سعی کند وظایف خود را به‌بهترین نحو ممکن انجام دهد.
- **لحاظ تضاد منافع:** تضاد منافع می‌تواند به‌طرق مختلف اتفاق بیفتد. نخست، اگر ناظر شرعی، کارمند تمام‌وقت در مؤسسه دیگری باشد. دوم، اگر او کارمند تمام‌وقت مؤسسه مالی اسلامی باشد. سوم، اگر او عضو هیئت نظارت شرعی یک مؤسسه مالی باشد و در مؤسسه مالی دیگری کارمند تمام‌وقت باشد. چهارم، تضاد منافع در صورتی که یکی از بستگان نزدیک او دارای سمت مهمی باشد. پنجم، اگر یکی از اعضای هیئت نظارت شرعی در موضوعی که نیاز به فتوا دارد، منافع شخصی داشته باشد.

معیارهای علمی

- **صفات مجتهد**: الشبیلی می‌گوید که عضو (SSB) باید به‌طور کلی دارای ویژگی‌های مجتهد باشد. فقهای کلاسیک، شرایط سختی را برای مجتهد ذکر کرده‌اند که دستیابی به آن جز در چند عالم استثنایی ممکن نیست. برای مثال، شرایطی را قرار داده‌اند که آیات قرآن و احکام شرعی، مسائل اجماع، قیاس، دلالات الفاظ و ... را بداند. البته، لازم است که به آن‌ها علم کلی داشته باشد، نه به‌صورت جامع بداند. چرا که این نوع علم جامع، ممکن نیست. حال آنکه شعطا به این اندازه سختگیر نبوده و معتقد است یک عضو (SSB) باید زبان عربی را بداند، دارای ظرفیت درک عمیق (فقه)، بینش خوب و غیره باشد. از سوی دیگر، استانداردهای (AAOIFI) ذکر کرده‌اند که یک عضو (SSB)

باید دارای استعداد فقهی باشد که او را به‌درک سخنان مجتهدین و استخراج احکام شرعی برای مسائل جدید براساس اصول ثابت قادر سازد. همچنین باید نسبت به شرایط و آداب و رسوم مردم هوشیار بوده و از آگاهی برخوردار باشد. همچنین باید مراقب ترفندهای افراد در جعل و به‌تصویر کشیدن یک چیز نادرست در قالب یک چیز درست باشد.

- **تخصص در فقه معاملات:** الشبیلی می‌گوید که عضو (SSB) باید از علمای حقوق اسلام در معاملات (فقه‌المعاملات) باشد. نسبت به اصول و قواعد کلی معاملات مالی در شریعت اسلامی و شرایط هر عقد و عواملی که آن را باطل می‌کند، آگاهی دقیق و عمیق داشته باشد. دانش عمومی از آن‌ها کافی نیست، بلکه دانش دقیق مورد نیاز است. شعطا معتقد است که اعضای (SSB) باید توانایی ارایه جایگزین‌های اسلامی برای معاملاتی را داشته باشند که ثابت شود با احکام و اصول شریعت مغایرت دارند. همچنین باید از مسائلی که به‌تازگی در بانکداری اسلامی به‌وجود آمده، آگاهی مستمر داشته باشند. در استانداردهای (AAOIFI) آمده است که برای صلاحیت مؤسسات مالی در همه زمینه‌های فقه اسلامی نیازی به صدور فتوا نیست. بلکه فتوا در این زمینه، از فقیهی است که علم او منحصر به فقه معاملات مالی است.
- **توانایی درک اهداف شریعت:** الشبیلی بیان می‌کند که یک عضو (SSB) باید بتواند اهداف شریعت را در معاملات مالی درک کند. زیرا شریعت نیامده تا زندگی مردم را پیچیده کند یا آن‌ها را از جنبه‌هایی بازدارد که مصلحت و رفاه آن‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بلکه توجه به مباحات را اصل اساسی معاملات انسانی قرار داده است. اگر این ویژگی وجود نداشته باشد، ممکن است دیدگاه او محدود شده و کار را برای مردم پیچیده کند که خلاف هدف قانونگذار است. شعطا در مورد درک اهداف شریعت چیزی نمی‌گوید. به‌همین ترتیب، چیزی در مورد استانداردهای (AAOIFI) ذکر نکرده‌اند.
- **شناخت قراردادها و محصولات جدید و جنبه‌های فنی آن‌ها:** باید از عقود و محصولات جدید و جنبه‌های فنی آن‌ها آگاهی داشته باشد تا بتواند احکام صحیح شرعی خود را استنباط کند. قضاوت در مورد چیزی یا دادن حکم شرعی برای چیزی، جزئی از تصور اوست. اگر تصور او از این محصولات اشتباه باشد، حکم براساس آن اشتباه خواهد بود. طبق گفته شعطا، یک عضو (SSB) باید دانش طراحی اساسی ماهیت معاملات اقتصادی، مالی و بانکی را داشته باشد. با این حال، او به اعضای (SSB) در مرحله آغازین خود اجازه می‌دهد تا در زمان صدور فتوا از کارشناسان کمک بگیرند. سپس با تمرین، این تجربه، بخشی از دانش او خواهد شد. استانداردهای (AAOIFI)

اشاره می‌کنند که یک عضو (SSB) باید استعداد فقهی داشته باشد تا احکام شرعی را برای موضوعات جدید براساس اصول ایجاد شده، استخراج کند.

- **درجه تحصیلی:** الشبیلی به‌صراحت نمی‌گوید که یک عضو (SSB) باید دارای مدرک دانشگاهی یا معادل آن در شریعت یا به‌ویژه در فقه‌المعامله باشد. اما اشاره می‌کند برای اینکه فردی فقیه شناخته شود حداقل باید شامل یکی از موارد زیر باشد:

۱- از طریق انتشار اخبار در کشوری که در آن زندگی می‌کند، معلوم شود فتوا می‌دهد.
۲- وابسته به قوه قضاییه باشد.
۳- مدرک تحصیلی بالاتری در تخصص فقه دریافت کرده باشد. و
۴- دارای چندین مقاله و تحقیق در زمینه فقهی باشد. شعطا به صراحت می‌گوید که اخذ مدرک دانشگاهی در شریعت، شرط لازم برای یک سرپرست شرعی است. اما او در مورد این شرط برای یکی از اعضای (SSB) سکوت کرده است. استاندارد (AAOIFI) دو گزینه ارایه کرده است: نخست، صلاحیت فقهی را می‌توان از طریق انتشار اخبار در مورد کسی که واقعاً صلاحیت دارد، اثبات کرد. بنابراین، نیازی به داشتن مدرک از دانشگاه یا مؤسسه مذهبی معروف نیست. دوم، صلاحیت فقهی را می‌توان از طریق ادله (قرائن)، مانند مطالعات تخصصی در فقه، به‌ویژه در فقه معاملات مالی معاصر، شناخت.

معیارهای عملی

معیارهای عملی را می‌توان به‌عنوان داشتن تجربه عملی مناسب تعریف کرد. به گفته الشبیلی، شرط تجربه برای یک عضو (SSB) از طریق تجربه صدور فتوا برای مدت معینی قابل تحقق است. برای یک ناظر شرعی، این شرط با سه چیز قابل تحقق است:

۱- داشتن علم حسابداری و موازین قانونی.
۲- کسب تجربه از طریق کمک به‌یک ناظر داخلی شرعی برای مدت معین. و
۳- شرکت در کارگاه‌های آموزشی در مورد تراکنش‌های مالی.

استاندارد (AAOIFI) به‌دلیل کمبود یافتن اعضای (SSB) با تجربه صدور فتوا نمی‌گوید که یک عضو (SSB) باید قبل از عضویت در این هیئت، تجربه صدور فتوا داشته باشد. امروزه، بسیاری از آن‌ها براساس تجربه تدریس در شریعت، توسط بسیاری از مؤسسات مالی جذب شده‌اند. این اعضا می‌توانند از طریق مشارکت فعال در کارهای خود به‌عنوان اعضای (SSB) فرصت کسب تجربه داشته باشند.

شعطا می‌گوید که در مرحله آغازین، خود اعضای (SSB) می‌توانند از متخصصان معاملات مالی برای صدور فتوا کمک بگیرند و سپس با تمرین، تجربه کسب کنند. در این صورت لازم است در فعالیت‌های زیر شرکت کند:

الف- یک عضو (SSB) باید از طریق ارایه مقالات پژوهشی در موضوعات فقه‌المعاملات در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، سعی در تجدید دانش خود داشته باشد.

ب- در کنفرانس‌ها و کارگاه‌های آموزشی با موضوع بانکداری و مالی اسلامی شرکت کند تا از دانش سایر متخصصان این حوزه بهره‌مند شود.

سایر ویژگی‌ها

- **صلاحیت:** اعضا باید علاوه بر تسلط بر زبان عربی و توانایی برخورد مستقیم با متون حقوقی، لغات و تعلیقات آن زبان، درک درستی از امور مالی، بازارها و اقتصاد مدرن نیز داشته باشند. همچنین، یک ناظر شرعی مؤثر باید با شیوه‌های تجاری بین‌المللی نیز آشنا باشد. به‌همین دلیل، تسلط بر زبان انگلیسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. توانایی سرپرست برای کار کردن با تیم، اغلب در یک محیط بین رشته‌ای و بین‌فرهنگی نیز از الزامات است.[۲]
- **استقلال:** نظارت شرعی برای مؤثر واقع شدن باید مستقل باشد. علاوه بر این، تصمیمات ناظر باید برای مدیریت الزام‌آور باشد. اگر این اقدامات انجام نشود، اعتبار نظارت و شرکت زیر سؤال می‌رود. تحت چنین ترتیبی، هیئت در تأیید یا رد آنچه مدیریت انجام می‌دهد آزاد خواهد بود یا پیشنهاد انجام دادن آن را صرفاً براساس ملاحظات شرعی/ قانونی اعلام می‌کند.[۲] این استقلال شامل **استقلال مالی** است به‌معنای مستقل بودن بودجه مالی نهاد نظارت؛ **استقلال عملکرد** به‌طوری که ناظران شرعی در معرض هیچ‌گونه فشاری از سوی مدیریت بانک قرار نگیرند؛ **استقلال انتصاب و عزل** است که انتصاب یکی از اعضای هیئت نظارت شرعی باید از بالاترین مقام بانک، یعنی سهامداران باشد و بدون تصمیم آن‌ها نباید عزل شود. در مورد ناظر داخلی شرعی، انتصاب و عزل وی براساس تصمیم اداری و با تصویب هیئت نظارت شرعی خواهد بود. [۱۶]
- **ارتباط:** یک عنصر اساسی در موفقیت هر کاری، ارتباط است. این امر در مورد نظارت شرعی نیز صادق است. برای شروع باید خطوط ارتباطی مشخصی بین مدیریت و نظارت شرعی وجود داشته باشد. اغلب اوقات یک مؤسسه مالی اسلامی یکی از مدیران اجرایی خود را به‌عنوان رابط منصوب می‌کند. این شخص، مسئول هماهنگی و مستندسازی، پیگیری تصمیمات و پیشنهادها خواهد بود.[۲]

واکاوی مدل حکمرانی شرعی در ایران

نتایج مطالعات صورت گرفته در بخش‌های پیشین حاکی از آن است که مدل نظارت شرعی در یک کشور، متناسب با سطح و سرعت توسعه مالی اسلامی و قوانین کلان کشورها طراحی می‌شود. بنابراین، چهارچوب حکمرانی شرعی از کشوری به کشور دیگر متفاوت بوده و نمی‌توان مدل واحدی را برای تمامی کشورها تجویز کرد. از سوی دیگر، باید بر این نکته تأکید شود که ساختار حکمرانی شرعی باید متناسب با اندازه، پیچیدگی و ماهیت تجارت آن مؤسسه مالی باشد. این مهم درخصوص کشور ایران نیز مصداق دارد. به‌گونه‌ای که متناسب با اوضاع و ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... از مدل نظارت متمرکز در ایران استفاده می‌شود. بدین‌ترتیب که از سال ۱۳۸۳، شورایی با نام «شورای مشورتی بانکداری و مالی اسلامی» در پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی تشکیل و پس از دو سال به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد. از سال ۱۳۸۸، شورایی با نام «شورای فقهی بانک مرکزی» در بانک مرکزی تشکیل شده که کماکان نیز فعال است. این شورا جایگاه مشورتی داشته و فاقد شأن قانونی است. اگر چه شورای فقهی، مصوبات فراوانی در زمینه‌های مختلف داشته، ولی به‌دلیل جایگاه منفعلی که دارد، توان مقابله با برخی عملیات بانک مرکزی را که از دید شورای فقهی مردود بوده، نداشته و ندارد. علاوه بر آن، شورای فقهی بانک مرکزی صرفاً در حوزه نظارت بر آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قراردادهای نمونه فعالیت کرده که توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود و ابزارهای نظارتی لازم را برای نظارت بر تدوین بخشنامه‌های داخلی بانک‌ها و عملیات اجرایی آن‌ها، در اختیار نداشته و ندارد. همچنین، در سال‌های اخیر برخی از بانک‌ها (ملی، کشاورزی، انصار، سرمایه، مهر اقتصاد و ...) به‌صورت خودجوش و بدون الزام از طرف بانک مرکزی، نسبت به تأسیس شورای فقهی اقدام کرده‌اند.[۲۰] با این حال، آنچه حائز اهمیت است آن است که در کشور ایران، با وجود آنکه قوانین کشور، جایگاهی برای بانکداری متعارف قائل نیست، مسئله نظارت بر شرعی بودن عملیات بانکی آن‌طور که انتظار می‌رود، انجام نشده و نمی‌شود. [۲۳]

با عنایت به مطالب مطروحه و انتقادهای وارده بر سیستم بانکداری، متولیان امر در صدد توجه بیشتر به این مهم برآمدند. به‌طوری که در طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران، موادی را به موضوع نظارت شرعی اختصاص دادند. همچنین، بانک مرکزی در سال ۱۴۰۰ با اضافه کردن چند بند به دستورالعمل «تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد و اعضای کمیته‌های ریسک، حسابرسی داخلی و رعایت قوانین مقررات مؤسسات اعتباری»، بانک‌ها را به تعیین عضو ناظر شرعی و عضویت در کمیته رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) ملزم کرد. اما ورای اقدامات انجام شده در کشور، آنچه مهم

و حیاتی است، توجه به فلسفه این مهم، صرف نظر از شکل ظاهری آن است. بدین‌ترتیب که طرح‌های پیشنهادی می‌باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد و در صورت پوشش حداکثری نیازها، طرح، مصوب و اجرایی شود. استفاده از تجارب سایر کشورها در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

بر این اساس، از آنجا که لازمه صنعت بانکداری در جمهوری اسلامی، مقبولیت شرعی یا به‌عبارتی مطابقت با موازین شرعی یا حداقل، عدم مغایرت آن با این موازین است (که همواره متولیان سعی کرده‌اند آن را در دستور کار خود قرار دهند)، لیکن در اجرای آن شاهد کاستی‌های هستیم و انتقادهایی از وجوه مختلف به آن مطرح شده است. برای مثال، برخی از استادان اقتصاد اسلامی، طرح بانکداری اسلامی را از نظر شرعی تأیید نمی‌کنند[۲۴] و معتقدند که در این طرح، نظر و دیدگاه فقهی کاملاً غالب و مشهود است و به‌نظر می‌رسد این طرح بیش از آنکه حاصل کار و تلاش اقتصاددانان و حقوقدانان باشد، حاصل قلم فقهایی است که در این زمینه کار می‌کنند. یا برخی به اشکالات ساختار شورای فقهی بانک مرکزی در طرح بانکداری اشاره می‌کنند و اینگونه بیان می‌کنند که در طرح بانکداری جمهوری اسلامی، هر چند ورود شورای نظارت شرعی در عرصه بانکی و آن هم در نهادهای بالادستی چون بانک مرکزی می‌تواند نقطه پیشرفتی باشد، اما مواد مطروحه در طرح این نهاد را که می‌رفت نقطه عطفی در بانکداری بدون ربا باشد، با چالش روبه‌رو کرده است. بدین ترتیب که نخستین مشکل، عدم استقلال شورای فقهی است. برای اینکه این شورا بتواند به‌خوبی به‌وظایف خود عمل کند باید در نصب و عزل اعضای فقیه و انجام دادن نظارت فقهی، از ریاست بانک مرکزی مستقل باشد. این در حالی است که به‌موجب تبصره ۱ ماده ۲۱، فقهای شورا با پیشنهاد رئیس‌کل بانک مرکزی و در نهایت با حکم او به این مقام منصوب می‌شوند. همچنین در تبصره ۲ آمده است: «رئیس‌کل، اجرای مصوبات شورا را پیگیری و بر حسن اجرای آن‌ها نظارت می‌کند.» و بدین معناست که خود آنان مستقیماً بر شرعی بودن اجرای قراردادها نظارت نمی‌کنند. دومین مسئله این است که به‌طور دقیق باید روشن می‌شد که آیا ملاک برای تصمیمات فقهای شورای فقهی، نظر مشهور فقهای معاصر است یا نظر امام خمینی (ره) یا نظر فقهی ولی فقیه زمان؟[۲۵]

جمع‌بندی و پیشنهاد

امروزه، نیاز به یک سیستم نظارت شرعی مؤثر برای مؤسسات مالی اسلامی به‌منظور تقویت اعتبار نظام مالی اسلامی در نزد جامعه مسلمانان، بیش از پیش حیاتی است. یک حاکمیت شرعی کارآمد، ارزش‌های بیشتری به چهارچوب حاکمیت شرکتی موجود می‌افزاید. بنابراین، مبحث نظارت

شرعی امری حیاتی و مهم است که برای رسیدن به حد لازم، به کار و تلاش مضاعف نیاز دارد. البته در چند سال گذشته، پیشرفت‌های زیادی در جهت تقویت سیستم نظارت شرعی صورت گرفته است. بسیاری از کشورها کوشیدند تا یک چهارچوب حاکمیتی جامع برای حل و فصل مسائل شرعی در مؤسسات مالی اسلامی ایجاد کنند. در غیاب یک چهارچوب مفهومی خوب، این مقررات اساساً مبتنی بر نیازها و تجارب کشورهای مربوط است. کشورهای مختلف، رویکردهای متفاوتی را برای نشان دادن شیوه‌ها و مدل‌های متنوع نظام نظارتی شریعت انتخاب کرده‌اند. برخی از آن‌ها مشارکت بیشتر مقامات نظارتی را انتخاب کرده و چهارچوب و مقرراتی را در سطح ملی توسعه دادند. کشورهای دیگر ترجیح می‌دهند هیچ مقررات خاصی برای اعمال حاکمیت شرعی ارایه نکنند و آن را به ابتکار داوطلبانه مؤسسات مالی اسلامی و نفوذ بازار بسپارند. آنچه در این مجال مهم است، جلب اعتماد مشتریان درخصوص شرعی بودن قراردادها و محصولات، صرف‌نظر از مدل نظارت است که در کشورهایی نظیر ایران (که بانکداری متعارف در آن جایگاهی ندارد)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس و به‌منظور تحقق حداکثری اهداف بانکداری اسلامی در کشور ایران، لحاظ موارد زیر در ترسیم چهارچوب حکمرانی شرعی پیشنهاد می‌شود.

- در مدل متمرکز که در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند ایران مورد استفاده است، باید به‌طور منظم و حسب مکانیسم مناسبی بین (CSB) و ناظران شرعی بانک‌ها برای تبادل ایده و به اشتراک‌گذاری، ارتباط برقرار کرد. این امر، پویایی مشاوره شرعی را در امور مالی اسلامی افزایش می‌دهد.
- منشور اخلاقی مناسب تدوین و توسط مشاور شرعی رعایت شود. این مهم در جهت حفظ و حراست از وجهه مشاور است.
- اعضای (CSB) نباید به‌صورت رسمی/ غیررسمی به مؤسسات مالی اسلامی تحت نظارت خدمات ارایه دهند. چرا که ممکن است در زمان بررسی محصول/ ابزار پیشنهادی مؤسسه مالی اسلامی، تضاد منافع شکل گیرد.
- در بند ۳ ماده ۵ دستورالعمل تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد بانک مرکزی، صرفاً مدیران ارشد را از نداشتن سمت مدیریتی و مشاوره‌ای و عضویت در کمیته‌های سایر مؤسسات اعتباری منع کرده و در تبصره ۵ ماده ۱۱ نیز اشاره شده که اعضای کمیته رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) نباید در بیش از یک مؤسسه اعتباری عضو کمیته باشند. از آنجا که براساس همین دستورالعمل، مسئول نظارت شرعی نیز به‌عنوان یکی از اعضای کمیته مذکور

لحاظ شده، بنابراین به‌منظور رازداری و محرمانه بودن اسرار تجاری یک مؤسسه مالی، توصیه می‌شود این عضو از ارایه مشاوره شرعی به سایر مؤسسات نیز منع شود.

- یکی از معیارهای مهم برای مشاوران شرعی، تسلط کافی بر امور مالی است. بنابراین، به‌منظور بینش عمیق‌تر نسبت به جزئیات محصولات مالی، توصیه می‌شود زمینه‌ای برای تعامل و تبادل نظریات بین متخصصان مالی و علمای شریعت فراهم شود. برای تحقق این مهم نیز پیشنهاد می‌شود که ابتدا انجمنی از مشاوران شرعی در کشور ایجاد شود تا بر عملکرد آن‌ها نظارت داشته و از حرفه‌ای بودن مشاوران شرعی و افزایش دانش و شایستگی اعضای شورا اطمینان حاصل شود. این انجمن از طریق ارایه آموزش‌های حرفه‌ای و مستمر به اعضا، موجب افزایش اعتماد عمومی نیز خواهد شد.
- ایجاد استانداردهای شرعی و برقراری ارتباط با استانداردهای مالی در دستور واحدهای متولی قرار گیرد.

سایر پیشنهادها براساس مطالعات صورت پذیرفته به‌شرح زیر ارایه می‌شود.

- ایجاد مراکز علمی پیشرفته و منحصر به فرد برای تربیت نخبگان فکری متخصص شرعی، مالی و اقتصادی.
- تداوم در برگزاری همایش‌های تخصصی در زمینه نظارت شرعی و اشاعه فرهنگ نظارت در سطح عمومی به‌منظور تعمیق مفهوم و تعریف ویژگی‌های آن.
- تدوین و توسعه برنامه‌های تحصیلات تکمیلی با هدف خاص آماده‌سازی نسل‌های جدید دانش‌پژوهان با تمام مهارت‌های لازم.

در خاتمه، انتظار می‌رود نظام بانکداری اسلامی علاوه بر ارایه خدمات مالی حلال برای مسلمانان، در تحقق اهداف اجتماعی (بشردوستانه) نظام اقتصاد اسلامی نیز سهیم باشد.

منابع و مآخذ

[1] Rammal. Hussain G, (2006), The importance of Shari’ah supervision in Islamic financial institutions, Corporate Ownership and Control/ Volume 3, Issue 3, (204-208).

[2] Delorenzo. Yusef Talal, (2015), Shari`ah Supervision in Modern Islamic Finance, www.guidanceresidential.com.

[3] Al Amer. Saleh Abdulrahman, (2018), Sharia Supervisory Board in Islamic Banks: A Critical Analysis of the Current Framework, Submitted in

accordance with the requirements for the degree of Doctor of Philosophy (PhD), The University of Leeds, School of Law.

[4] Imaniyati Sri. Neni, Numan. Harits, Jamilah. Lina, (2019), Analysis of the Role and Responsibility of Sharia Supervisory Board (DPS) on Sharia Compliance Supervision in Islamic Banks in Indonesia, ***Journal of Legal***, Ethical and Regulatory Issues, Vol: 22 Issue: 3, (Print ISSN: 1544-0036; Online ISSN: 1544-0044).

[5] Kausar Alam. Md, Ab Rahman. Suhaimi, Tabesh, Mosab, Thakur. Oli Ahad& Hosen. Sharif, (2021), Shariah supervisory boards of Islamic banks in Bangladesh: expected duties and performed roles and functions, ***Journal of Islamic Accounting and Business Research***, ISSN: 1759-0817.

[6] Hilmy. Hayathu Mohamed Ahamed & Hassan. Rusni, (2019), Shariah Governance Structure of Islamic Financial Institutions in Sri Lanka, ***Internatioal Journal and Applied Research***, Vol. 6 No. 4.

[7] Sastra Mihajat. Muhammad Iman, (2019), Shari'ah Governance Framework in IFIs in Oman: Issues and Challenges, Research in Corporate and Shari'ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice, ISBN: 978-1-78973-008-1, eISBN: 978-1-78973-007-4.

[8] Muhammad. Rifqi, Azlan Annuar. Hairul, Taufik. Muhammad & Nugraheni. Peni, (2021), The influence of the SSB's characteristics toward Sharia compliance of Islamic banks, Addounting, Corporate Governance& Business Ethics.

[9] Shari'ah Governance Framework for Islamic Banling Institutions, (2018), Islamic Banking Department State Bank of Pakistan.

[10] Muhammad. Amanullah, (2015), Criteria of Shari'ah supervisory committee: A comparative study between guidelines of Bangladesh Bank and Bank Negara Malaysia, Intellectual Discourse, suppl. Special Issue; Kuala Lumpur Vol. 23,453-473.

[11] Eighuweel, M. I., Ntim, C. G., Opong, K. K., & Avison, L. (2017). Corporate governance, Islamic governance and earnings management in Oman. ***Journal of Accounting in Emerging Economies***, 7(2), 190–224. https://doi.org/10.1108/JAEE-09-2015-0064 [Crossref].

[12] Ebrahimi. Seyed Ahmed, (2016), models of Shariah monitoring in Islamic countries, Ibna news agency.

[13] ulfi. Lzzani, Syahrul Mubarrok. Ujang, Wahyudi. Muhamad, (2020), Optimization the Role of Shariah Supervisory Board for Shariah Governance in Islamic Banking, ***Perisai: Islamic Banking and Finance Journal***. 4:1. doi: 10.21070/perisaiv4i1.515.

[14] Meysami. Hossein, Qalich. Wahab, (2016), Shariah supervision and Shariah risk in Islamic banking: Implications for the transformation plan of the banking system, New Economy, Year 8, Number 130.
[15] Dewandari. Ali, (2016), review of the status of Sharia supervision in the banking system of Iran and the world, the third Islamic financial conference.
[16] Obaid Hasan Saleh. Abdulmajid, Abdirasak. Alinasser, Zakariyah. Habeebullah, (2021), Shariah Supervision Controls of Islamic Banks: A Critical Analytical Study, See discussions, stats, and author profiles for this publication at: https://www.researchgate.net/publication/350011384.
[17] Ali Jan. Ahmad, Lai. Fong-Woon, Pisol. Muhammad, Hamad. Salaheldin, (2020), The Structure of Shariah Governance in Islamic Banking Industry: A Theoretical Review, ***International Journal of Psychosocial Rehabilitation*** 24(6):2020. DOI:10.6084/m9figshare.12487751
[18] Grassa. Rihab, (2013), Shariah supervisory system in Islamic financial institutions: new issues and challenges: A comparative analysis between Southeast Asia models and GCC models, Humanomics 29(4). DOI:10.1108/H-01-2013-0001.
[19] Hasan. Aznan, Sabirzyanov. Ruslan, (2015), OPTIMAL SHARI'AH GOVERNANCE MODEL IN ISLAMIC FINANCE REGULATION, ***International Journal of Education and Research***, Vol. 3 No. 4.
[20] Pathology of the banking system. 7. Sharia supervision of the central bank, (2015), ***Deputy Economic Research Office: Economic Studies***.
[21] Rouhani.Seyyed Ali, Bani Taba. Seyed Mehdi (2016), the consequences of the lack of sharia supervision on Iran's banking system, political implications, ***Scientific Research Quarterly of Islamic Economics***, Volume 17, Number 68 - Serial Number 68. Page 87-117.
[22] Kazemi Najafabadi. Mustafa, Ahmadi. Gholam Ali, (2016), the ideal model of Sharia board in Islamic banking using AHP technique, ***Economic Strategy Quarterly***, 5th year, 17th issue, pp. 165-198.
[23] Mousaviyan, Seyyed Abbas and Hossein, Meismi, (2014), Shari'a supervision of Islamic banks and financial institutions - providing a supervisory model for the country's banking system based on the opinion of experts, ***monetary and banking research institute of the Central Bank of the Islamic Republic of Iran***.
[24] Ayatollah Araki's statement criticizing the banking plan on 1400/02/27 and a collective letter from the professors of the district and university on 1400/02/22.
[25] Masouminia, Gholam Ali, ***Criticisms of three experts on the banking plan of the Islamic Republic***, Fars news agency, 2018/11/09.

[26] Asghar Shahzad. Muhammad, Saeed. Syed Kashif& Ehsan, Asim, (2017), Sharī’ah Audit and Supervision in Sharī’ah Governance Framework: Exploratory Study of Islamic Banks in Pakistan, Business & Economic Review: Vol. 9, No.1 2017 pp. 103-118, DOI: dx.doi.org/10.22547/ BER/9.1.6.

[27] Zulkifli, H. (2010), "Regulatory Framework of Shari’ah Governance System in Malaysia, GCC Countries and the UK", ***Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies***, Vol. 3.